

صنایع کوچک، نابرابریهای منطقه‌ای و تجربه کشورهای در حال توسعه

● خلیل کلانتری

● مقدمه

امروزه صنعت به عنوان اصلی‌ترین ابزار در توسعه و به خصوص توسعه مناطق عقب‌مانده، نقش محوری را به خود اختصاص داده است. این نقش شاید برخاسته از این واقعیت است که، عوامل تولید در بخش صنعت، در مقایسه با کشاورزی قابلیت جابه‌جایی و انعطاف پذیری بیشتری با شرایط، اوضاع، احوال محلی - منطقه‌ای و ملی دارد. به همین دلیل قطب‌های توسعه به خصوص در کشورهای جهان سوم و خاصه در مناطقی که فاقد پتانسیل مناسب جهت توسعه کشاورزی هستند، بر مبنای صنعت استوار می‌گردند. اما علی‌رغم نقش و اهمیت این بخش در توسعه مناطق عقب‌مانده، بسیاری از دولتها در کشورهای جهان سوم، به دلیل تمرکز در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری، بیشت به رشد ملی عنایت دارند تا به توسعه یکپارچه منطقه‌ای. به همین دلیل، برنامه‌های پنج‌ساله تهیه شده در این کشورها، همواره بر میزان نرخ رشد تأکید کرده و برنامه‌ها و فعالیتهای در راستای دستیابی به نرخ فوق تنظیم و اجرا می‌کنند.

بررسی وضعیت صنعتی در این کشورها، نشان دهنده این واقعیت است که صنایع عمدتاً در چند قطب توسعه، متمرکز شده‌اند و مابقی مناطق در واقع از لحاظ صنعتی به طور عقب‌مانده رها شده‌اند. پروسه توسعه بر اساس قطبی شدن فعالیتها در درون این کشورها، باعث می‌شود تا قطب‌های توسعه صنعتی و سایر مناطق عقب‌مانده در درون این کشورها، همان نقشی را که کشورهای توسعه یافته نسبت به

کشورهای در حال توسعه دارند، داشته باشند. این روند نهایتاً منجر به توسعه بیشتر مناطق توسعه یافته و عقب‌ماندگی بیشتر مناطق عقب‌مانده می‌گردد و شکاف بین مناطق را افزایش می‌دهد.

جدول شماره ۱، این واقعیت را در تعدادی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: شکاف بین مناطق از لحاظ سرانه تولید ناخالص منطقه‌ای در درون تعدادی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه (سال ۱۹۷۶)

کشور	توسعه یافته‌ترین منطقه (دلار)	عقب‌مانده‌ترین منطقه (دلار)	نسبت بین توسعه یافته‌ترین و عقب‌مانده‌ترین منطقه
انگلستان	۳/۶۶۷	۲/۵۶۶	۱/۲۳
هلند	۲/۰۳۲	۲/۵۷۸	۱/۵۶
بلژیک	۲/۳۸۰	۲/۶۱۶	۱/۶۷
جمهوری کره	۵۸۲	۲۷۰	۲/۱۶
ایتالیا	۳/۳۸۲	۱/۵۳۸	۲/۲۰
هندوستان	۲۱۷	۹۷	۲/۲۲
آلمان	۷/۰۲۲	۲/۶۸۳	۲/۶۲
ژاپن	۵/۵۵۵	۱/۹۰۰	۲/۹۲
مالزی	۷۳۰	۲۰۲	۳/۶۲
مکزیک	۱/۰۶۷	۱۹۸	۵/۳۹
ناروژ	۱/۳۵۸	۲۱۵	۶/۳۸
کلمبیا	۱/۳۴۲	۱۹۹	۶/۷۵
آرژانتین	۲/۷۰۶	۳۳۷	۹/۳۳
ایران	۳/۱۳۲	۳۱۴	۱۰/۰۷
برزیل	۱/۱۰۲	۲۰۹	۱۰/۱۳

United Nations: 1986: P. 69: مأخذ

نیافته، ده برابر عقب مانده تر از مناطق توسعه یافته اند. بنابراین در چنین وضعیت و شرایطی، صنعت به دلیل انعطاف پذیری و قابلیت جابجایی عوامل تولیدی آن، می تواند به عنوان امری جهت توسعه مناطق عقب مانده، مورد استفاده قرار گیرد. اما از آن جایی که استقرار صنایع سنگین در این منطقه به دلیل ناکافی بودن زیرساختهای لازم از قبیل: حمل و نقل و ارتباطات، راه، آب و برق و سایر عوامل توسعه، موانع ساختاری را در جهت توسعه صنعتی یا تکیه بر صنایع سنگین بوجود می آورد، لذا صنایع کوچک به دلیل متناسب بودن با منابع مادی و انسانی محلی و نیاز به زیرساختهای محدودتر، می تواند محور توسعه در این گونه مناطق باشد.

مقاله ای که در پهن روی شماسنت نقش محوری صنایع کوچک در فرآیند توسعه و به خصوص توسعه مناطق عقب مانده و ایجاد تعادل های منطقه ای می تواند داشته باشد را مورد توجه قرار داده است. در این مقاله تلاش برخی از کشورهای در حال توسعه، در زمینه توسعه صنایع کوچک با تکیه بر آمار و ارقام قابل دسترس مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

● مفهوم صنایع کوچک

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بعد از سه یا چهار دهه برنامه ریزی در زمینه توسعه صنعتی، هنوز مفهوم صنایع کوچک و طبقه بندی صنایع به درستی مشخص نشده است. بررسی اسناد، مدارک، برنامه های پنج ساله و یا تحقیقات انجام شده در زمینه صنایع به خصوص صنایع کوچک در این کشورها تعاریف و طبقه بندی متفاوتی را نشان می دهند. صنایع سنتی، مدرن، دستی، خرد، خانگی، روستایی، کوچک، متوسط و بزرگ از جمله مفاهیم عمده ای هستند که در طبقه بندی های صنعتی دیده می شوند. بررسی این مفاهیم و طبقه بندیها نشان می دهند که محدوده این صنایع و مفاهیم هنوز به درستی تعریف و تعیین نشده اند. این مسأله شاید برخاسته از این واقعیت است که صنایع در مقیاس کوچک (Small Scale Industries) یک مفهوم نسبی است و بر اساس ضوابط متفاوتی، تعریف و طبقه بندی می شوند. به همین دلیل این مفهوم از

کشوری به کشور دیگر و از زمانی به زمان دیگر تغییر می کند. انیستیتوی تکنولوژی جورجیا در بررسی خود به ۵۰ تعریف مختلف در ۷۵ کشور دست یافته است که بسیاری از این تعاریف، میزان سرمایه گذاری (عمدتاً بین ۲۵۰۰۰ تا دو میلیون دلار) یا تعداد شاغلین (عمدتاً بین ۱۵ تا ۵۰۰ نفر) و یا هر دو را به عنوان ضوابط اصلی در تعریف و طبقه بندی صنایع کوچک بکار برده است.

در هندوستان در سال ۱۹۵۰، در اولین تعریفی که از صنایع کوچک ارائه کرده است، بر اساس آن، واحدهایی با میزان سرمایه ثابت کمتر از ۵۰۰،۰۰۰ روبیه، یا تعداد شاغلین کمتر از ۵۰ نفر یا استفاده از نیروی برق و یا تا ۱۰۰ نفر بدون استفاده از نیروی برق را به عنوان "صنایع کوچک" اعلام کرده است. البته طی سالهای مختلف در این تعریف تغییرات و اصلاحات زیادی صورت گرفته است. آخرین تعریفی که در سال ۱۹۹۱ ارائه شده است، واحدهایی را که دارای تجهیزات و ماشین آلاتی تا سقف ۶ میلیون روبیه باشند، به عنوان صنایع کوچک تعیین نموده است.

(جهت اطلاع از تعاریف برخی دیگر از کشورها به آخرین سنو جدول شماره ۲ مراجعه کنید)

آنچه که در تحدید و طبقه بندی صنایع کوچک

اهمیت اساسی دارد، نوع تکنولوژی بکار گرفته شده در این صنایع می باشد. بر اساس سطح تکنولوژی مورد استفاده، این صنایع را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

- ۱) صنایع کوچک سنتی: شامل صنایع دستی و روستایی، که بدون استفاده از تکنولوژی و با استفاده از تکنولوژی محلی و محدود به فعالیت می پردازد.
- ۲) صنایع کوچک مدرن: شامل واحدهایی که از تکنولوژی پیشرفته استفاده کرده و ارتباط نزدیک و تنگ تنگ با صنایع بزرگ دارند. این صنایع عمدتاً در مناطق شهری مستقر می باشند.

● صنایع کوچک در کشورهای در حال توسعه

تجربه کشورهای در حال توسعه بیانگر این واقعیت است که واحدهای اقتصادی و صنعتی کوچک نقش عمده ای در پروسه توسعه صنعتی ایفا می کنند. نمونه این گونه مشارکتها را می توان در سهم این بخش، در ارزش افزوده بخش صنعت و همچنین در تولید ناخالص داخلی و ملی این کشورها مشاهده کرد. مطالعات انجام شده در این خصوص، در تعدادی از کشورها، درستی این ادعا را به وضوح نشان می دهند. ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی در هند (در سال

جدول شماره ۲، سهم صنایع کوچک در کل تولیدات صنعتی

کشور	سال	نسبت واحدهای صنایع کوچک به کل واحدهای صنعتی (درصد)	نسبت اشتغال در بخش صنایع کوچک به کل اشتغال در بخش صنایع (درصد)	تعریف صنایع کوچک
هنگ کنگ	۱۹۸۲	۹۲/۷	۴۳	۱ تا ۴۹ نفر شاغل
مالزی	۱۹۷۳	۹۰/۴	۲۷/۲	۱ تا ۴۹ نفر شاغل
تایلند	۱۹۸۰	۹۳/۴	۳۰	۱ تا ۴۹ نفر شاغل
سنگاپور	۱۹۷۹	۹۰	۸۷	سرمایه گذاری تا سقف ۲/۵ میلیون روبیه
فیلیپین	۱۹۷۵	۹۳/۶	۳۰	۵ تا ۹۹ نفر شاغل یا ۱۰۰ هزار تا یک میلیون پزو سرمایه گذاری
کره	۱۹۷۴	۸۷	۴۴	۵ تا ۲۹۹ نفر شاغل*
هندوستان	۱۹۷۳	۹۰	۴۲	تا سقف یک میلیون روبیه سرمایه گذاری**
اندونزی	۱۹۷۴	۹۹/۴	۸۳/۷	۱ تا ۲۰ نفر شاغل

* S. S. 1979, Small Industries in a Developing Economy, University of Hong Kong, Hong Kong, China

۱۹۸۶)، ۴۰ درصد در تایلند، ۴۸ درصد در هنگ کنگ و فیلیپین توسط صنایع کوچک تولید می‌شوند.

در کشورهای واقع در جنوب و جنوب‌شرقی آسیا، صنایع کوچک بخش مهمی از توان صنعتی این کشورها را به خود اختصاص داده است. (جدول ۲ جابجاء صنایع کوچک و نقش آن در اقتصاد ملی برخی از کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد)

ارقام فوق نشان می‌دهند که صنایع کوچک در این کشورها بیش از ۳۰ درصد اشتغال در بخش صنایع را شامل شده و بیش از ۹۰ درصد واحدهای صنعتی را در بر می‌گیرند.

این کشورها به دلیل داشتن تفاوت‌های اساسی از قبیل وسعت قلمرو، میزان جمعیت، درآمد سرانه، سطح توسعه صنعتی و حتی موقعیتهای سیاسی و اقتصادی خود، استراتژیهای متفاوتی را در جهت توسعه صنایع کوچک اتخاذ کرده‌اند. کشورهایی مانند؛ مالزی و سنگلادش از صنایع کوچک به منظور کاهش نابرابریهای منطقه‌ای کمک گرفته و با بکارگیری سیاستهای تشویقی مختلف از قبیل؛ عدم دریافت مالیات، تخصیص وامهای بلند مدت و با بهره کم، از انتقال صنایع به مناطق عقب‌مانده، حمایت می‌کنند! در حالی که کشورهایی مانند؛ تایلند، کره و به خصوص هنگ کنگ یا به دلیل عدم وجود منابع اولیه در این کشورها و یا به دلیل تمییز از اقتصاد آزاد و بدون کنترل صنایع کوچک را در جهت رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی تشویق و حمایت می‌کنند.

از سویی دیگر برخی از کشورها از جمله اندونزی و فیلیپین، به دلیل داشتن جمعیت زیاد و بالا بودن نرخ بیکاری، توسعه صنایع کوچک را در مسیری سبوی داده‌اند تا به اهداف آنها در رفع بیکاری کمک نماید. در این میان بعضی دیگر از کشورها استراتژی ترکیبی را ترجیح می‌دهند. کشورهای هند با تانسلیل انسانی وسیع و وجود بیکاری خصوصاً در مناطق کمتر توسعه یافته، هم به جهت ایجاد فرصتهای اشتغال و هم به جهت کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای، تأکید فراوانی بر توسعه و گسترش صنایع کوچک نموده است.

جدول ۳ میزان سرمایه‌گذاری در توسعه صنایع کوچک را در طول برنامه‌های پنج ساله هند نشان می‌دهد) همان طوری که جدول فوق نشان می‌دهد؛ در برنامه‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی هند، تخصیص سرمایه به بخش صنایع کوچک، به طور مرتب افزایش یافته است. به طوری که میزان سرمایه‌گذاری در این بخش از ۵۲ میلیون روپیه در برنامه پنج ساله اول (۵۶ - ۱۹۵۱) به ۱۱۲۰۵ میلیون روپیه در برنامه پنج ساله هفتم (۹۰ - ۱۹۸۵) رسیده است.

به عبارت دیگر در مدت چهاردهه، حجم سرمایه‌گذاری در این بخش ۲۱۵ برابر افزایش یافته است، که این امر نشان‌دهنده توجه دولت هند به توسعه بخش صنایع کوچک می‌باشد. از سوی دیگر صنایع کوچک در تولید و صادرات هند نیز سهم عمده‌ای دارد. نمودار شماره ۱ نشان

● **نابرابریهای منطقه‌ای در ایران نیز بیانگر این واقعیت است که توسعه یسافته‌ترین منطقه ده‌برابر عقب‌مانده‌ترین منطقه پیشرفت کرده است.**

● **در برنامه‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی هند، تخصیص سرمایه به بخش صنایع کوچک، به طور مرتب افزایش یافته است. به طوری که میزان سرمایه‌گذاری در این بخش از ۵۲ میلیون روپیه در برنامه پنج ساله اول (۵۶ - ۱۹۵۱) به ۱۱۲۰۵ میلیون روپیه در برنامه پنج ساله هفتم (۹۰ - ۱۹۸۵) رسیده است.**

می‌دهد که سهم صنایع کوچک در کل تولیدات صنعتی هند در بین سالهای ۸۲ - ۱۹۸۱ تا ۸۷ - ۱۹۸۶ قابل توجه بوده است. این میزان از ۴۴ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۴۸/۵ درصد در سال ۱۹۸۷ افزایش یافته است.

نمودار مربوط به سهم صادرات نیز اهمیت صنایع کوچک را در صادرات بوضوح نشان می‌دهد. این نمودار در واقع بیان‌کننده سهم صنایع کوچک در کل صادرات کشور اعم از صنعتی، کشاورزی و غیره می‌باشد. این میزان از ۲۲/۵ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۲۸/۵ درصد در سال ۱۹۸۷ افزایش یافته است.

به عبارت دیگر قدری کمتر از $\frac{1}{3}$ کل صادرات کشور و تقریباً نیمی از تولیدات صنعتی توسط این صنایع تولید می‌شوند. (نمودار شماره ۱)

یکی دیگر از اهداف اصلی دولت هند تمرکززدایی صنعتی است. از آن جا که صنایع کوچک قابلیت توزیع بهتر و راحت‌تری دارند، بنابراین در دهه‌های اخیر تلاشهای موفقیت‌آمیزی در جهت استقرار صنعت در مناطق روستایی و مناطق عقب‌مانده صورت گرفته است. (جدول شماره ۲ نحوه توزیع واحدهای صنعتی کوچک را در ایالت آندراپرادش هند نشان می‌دهد).

از ارقام جدول ۴ چنین برمی‌آید که تعداد

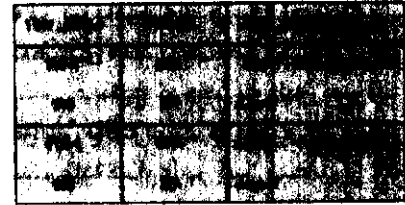
جدول شماره ۳: میزان سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک در برنامه‌های پنج‌ساله هند ۳

برنامه	دوره برنامه	کل سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک (ارقام به میلیون روپیه)
۱- برنامه پنج ساله اول	۵۶ - ۱۹۵۱	۵۲
۲- برنامه پنج ساله دوم	۶۱ - ۱۹۵۶	۵۶۰
۳- برنامه پنج ساله سوم	۶۶ - ۱۹۶۱	۱۱۳۰/۶
۴- برنامه‌های سالانه	۶۹ - ۱۹۶۶	۵۳۴/۸
۵- برنامه پنج ساله چهارم	۷۴ - ۱۹۶۹	۹۶۱/۹
۶- برنامه پنج ساله پنجم	۷۹ - ۱۹۷۴	۲۲۱۷/۴
۷- برنامه سالانه	۸۰ - ۱۹۷۹	۱۰۴۸/۱
۸- برنامه پنج ساله ششم	۸۵ - ۱۹۸۰	۶۱۶۱
۹- برنامه پنج ساله هفتم	۹۰ - ۱۹۸۵	۱۱۲۰۵/۱

Report of small scale industries Development organization, 1991 - 92; Planning Commission, Government of India, P. 17; مأخذ

واحدهای صنعتی کوچک در مناطق عقبمانده از ۲۸ درصد در سال ۱۹۷۲ به ۵۵ درصد در سال ۸۸ - ۱۹۸۷ رسیده است. موفقیت این طرح انطباق پذیری صنایع کوچک با شرایط، امکانات و نیازهای مناطق توسعه نیافته و مناطق روستایی می باشد.

جدول شماره ۴: نحوه توزیع واحدهای صنعتی کوچک در ایالت اندراپرادش هند



Report on the Units: Ministry of India: مأخذ

در این میان چین سیاست متفاوتی را دنبال می کند. عمده ترین سیاست توسعه در چین کاهش شکاف بین بخش کشاورزی و بخش صنعت می باشد. به همین دلیل مکانیزه کردن کشاورزی عنصر اساسی جهت تحقق بخشیدن به این هدف می باشد. جابه جایی نیروی کار و افزایش بیکاری از طریق مکانیزه کردن کشاورزی، پدیده های است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه اتفاق می افتد. به همین دلیل نیز سیاستهای ملی در بسیاری از این کشورها نسبت به حمایت از مکانیزه کردن کشاورزی، بی اشتیاق می باشند. اما در چین علی رغم تراکم بسیار بالای جمعیت مکانیزه کردن کشاورزی هرگز منجر به افزایش بیکاری در روستاها نشده است. چینی ها به مکانیزه کردن، به عنوان ابزاری مؤثر در افزایش کارایی نیروی کار کشاورزی می نگرند و از دهه ۵۰ قدمهای عمده ای در جهت انتقال تکنولوژی از سراسر جهان و انطباق آن با شرایط محیطی و محلی برداشته اند و این استراتژی امروزه تکنولوژی را در این کشور، درون زاکرده است.

در چین بسیاری از صنایع مربوط به کشاورزی، در مقیاس کوچک بوده و به منظور حمایت از استراتژی مکانیزه کردن کشاورزی، در نواحی روستایی مستقر شده اند. هیات امریکایی که در سال ۱۹۷۵ از نزدیک صنایع کوچک روستایی این کشور را مورد بررسی و تحقیق قرار داده اند در گزارش خود اعلام کرده اند که!

صنایع تراکتورسازی در مقیاس کوچک از جمله صنایعی است که توجه ویژه ای به آن شده است و از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۴، یعنی در حدود ۱۰ سال، میزان تولید آن ۵۲۰ درصد افزایش یافته است. بسیاری از صنایع از قبیل پمپهای آبیاری، تیلر، تراکتورهای کوچک و بزرگ، کمباین، ماشینهای نشاء، خرمن کوب، آسیاب آرد و سایر ابزار و ادوات کشاورزی در مقیاس کوچک و در نواحی روستایی تولید می شوند.

• نابرابریهای منطقه ای در ایران نیز بیانگر این واقعیت است که توسعه یافته ترین منطقه ده برابر عقب مانده ترین منطقه پیشرفت کرده است. به عبارت دیگر مناطق توسعه نیافته، ده برابر عقب مانده تر از مناطق توسعه یافته اند.

انستیتو ماشین آلات کشاورزی در یکس مسئولیت تحقیق و توسعه (R & D) در زمینه انواع مختلف ماشین آلات کشاورزی را در سطح ملی بعهده دارد. بر اساس آمار موجود، این مؤسسه در سال ۱۹۷۵ دارای ۶۰۰ نفر کارمند بوده که ۷۰ درصد آن را نیروهای فنی و مهندسان تشکیل می دادند. طبق مقررات این انستیتو، مهندسین و تکنسین ها باید حداقل ۳ ماه در سال را در مزارع کشاورزی بر روی پروژه های مربوط به مکانیزه کردن کشاورزی از طریق صنایع کوچک به فعالیت بپردازند. این انستیتو در تمام استانها دارای شعباتی است که هر یک در حدود ۱۵۰ الی ۱۶۰ نفر کارمند دارند و اکثر آنها را تکنسین ها و مهندسین تشکیل می دهند. این شعبات نقش عمده ای در تطبیق ابزار آلات کشاورزی با شرایط منطقه ای دارند و متناسب با وضعیت محیطی، آب و هوا، نوع خاک و محصولات کشاورزی تغییراتی را در برخی از قطعات ماشین آلات بوجود آورده و قبل از تولید انبوه، آن را به مدت یک الی دو سال به طور آزمایشی در مزارع بکار می گیرند. چینی ها از این طریق به درون زاکردن صنایع کوچک کشاورزی در اقصی نقاط چین کمک می کنند.

با توجه به سیاست تمرکز زدایی دولت چین در خصوص صنایع کوچک و انتقال آن به مناطق روستایی، کمونها و بریگادها، تولید تراکتور و دیگر

ماشین آلات کشاورزی، بر حسب بیچیدگی کار در سه سطح عمده:

- ۱) ملی و استانی
- ۲) شهرستانی
- ۳) کمونها و بریگادها

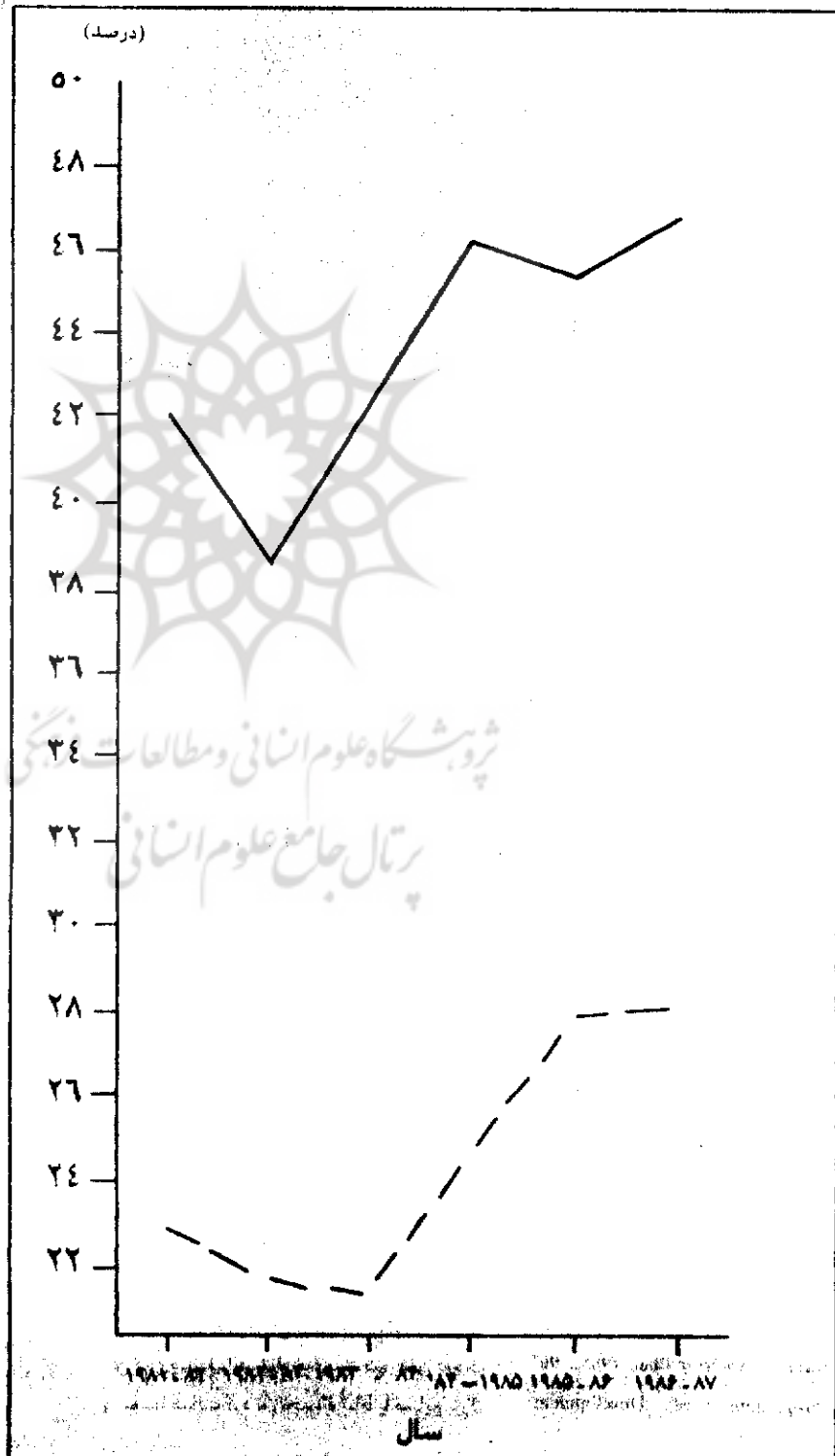
انجام می گیرد. این ماشین آلات بر حسب بیچیدگی تولید از قبیل کمباینهای بزرگ، موتورهای دیزل و غیره در سطح ملی و استانی و در کارخانه های تخصصی تولید شده و ابزار و ماشین آلات با بیچیدگیهای کمتر از جمله، پمپهای آبیاری، ماشینهای نشاء، ماشینهای آسیاب آرد، ابزار آلات تراکتور و تریلی عمدتاً در کمونها و در مواردی در بریگادها تولید می شوند.

توسعه صنایع کوچک در این کشور این امکان را ایجاد کرده است تا کارگران روستایی در فصولی از سال که فعالیتهای کشاورزی به حداقل می رسند، جذب این صنایع شوند. انعطاف پذیری صنایع کوچک در راستای تولید و ایجاد اشتغال، فرصت مناسبی را متناسب با شرایط روستایی و فعالیتهای کشاورزی در زمینه اشتغال در نواحی روستایی فراهم کرده است. از سوی دیگر تمرکز زدایی از طریق گسترش صنایع کوچک در گوشه و کنار کشور، به بخش نوآوریها و بارور کردن خلاقیتهای جوامع مختلف کمک قابل توجهی نموده است.

• صنایع کوچک و تفکر تمرکز زدایی

یکی از بسجتهای اساسی که طرفداران تمرکز زدایی از آن در جهت بخش فعالیتهای اقتصادی، به خصوص صنعتی در مناطق مختلف، خاصه مناطق توسعه نیافته و جلوگیری از تراکم آن در شهرهای بزرگ و متروپول ها از آن حمایت می کنند، "صنایع کوچک" است. بر اساس این دیدگاه، این صنایع بسیاری از مسائل و معضلاتی را که گریبانگیر شهرهای بزرگ و متروپول ها در کشورهای جهان سوم می باشند را رفع می کند. به همین دلیل برخی از کشورها، زمینه های حفظ و جذب مردم به مناطق روستایی و نواحی کمتر توسعه یافته را از طریق استقرار فعالیتهای اقتصادی، از جمله فعالیتهای صنعتی در این مناطق فراهم می آورند. این مناطق از یک طرف معمولاً فاقد تسهیلات زیربنایی لازم جهت

نمودار ۱: سهم صنایع کوچک در تولید و صادرات هند ۱۹۸۱-۸۲ تا ۱۹۸۶-۸۷



— سهم تولیدات صنایع کوچک از کل تولیدات صنعتی کشور
 - - - سهم صادرات صنایع کوچک از کل صادرات کشور



رشد و توسعه بوده و از طرف دیگر نیز بتانسایهای انسانی لازم در زمینه فعالتهای تخصصی و یحده صنعتی را نیز دارا نمی‌باشد.

بنابراین صنایع کوچک به دلیل نیاز به تسهیلات زیربنایی محدودتر از بک طرف و سادگی فعالیتها و عده ناز به تخصصهای پیچیده از طرف دیگر، مهمترین آهوه در راستای فعال کردن بتانسایهای مادی و انسانی مناطق روستایی و مناطق توسعه نیافته در هر کشوری است.

در برابر این اعتقاد، عدای بر این باورند که صنایع کوچک هیچگاه به تنهایی قادر به بقا در مناطق عقب مانده نیستند. بنابراین، این صنایع و به خصوص صنایع مدرن کوچک نمی‌توانند به طور مجزا به تکه‌های مختلف تقسیم و به خارج از مناطق تراکم فعالیتهای صنعتی منتقل شوند. این گروه از نظریه پردازان معتقدند که تمرکز زدایی فعالیتهای صنعتی باید از طریق انتقال و استقرار صنایع بزرگ در مناطق شهری متوسط انجام گیرد تا ارتباط صنایع کوچک با این صنایع به دلیل استفاده از خدمات این گونه صنایع برقرار باشد.

واقفیت این است که در کشورهایی که دارای ساختار صنعتی سیستماتیک هستند و ارتباط بین صنایع بزرگ، متوسط و کوچک از قبل برنامه‌ریزی شده است، صنایع کوچک نقش ارزنده‌ای در تکمیل پروسه صنعتی ایفاء می‌کنند. نمونه جالب آن را شاید بتوان در کمپانی جنرال موتور در آمریکا ملاحظه کرد. این شرکت که یکی از کمپانی‌های بزرگ در آمریکا می‌باشد، کالاهای، قطعات و خدمات مورد نیاز خود را از طریق ۳۷۰۰۰ شرکت کوچک و مستقل تأمین می‌کند.

همچنین حدود ۸۰ درصد از خدمات، قطعات و لوازم مورد نیاز صنعتی اتومبیل سازی در ژاپن (تویوتا، داتسون، ...) و آمریکا (فورد، جنرال موتور، ...) بوسیله کارخانجات و شرکتهای کوچک مستقل، ساخته و یا تأمین می‌گردند. این شرکتها در مناطق مختلف کشور بخش و از طریق توسعه منطقه‌ای، تعادل را در مناطق مختلف ایجاد کرده و اختلافات منطقه‌ای را از بعد سطوح توسعه به حداقل رسانیده و با آن را به کلی از بین برده‌اند.

بر اساس آمار موجود در حدود نیمی از اختراعات و

۴) صنایع سنتی که به تولید کالا برای عرضه در بازارهای محلی و منطقه‌ای می‌پردازند دارای قابلیت توسعه و ترویج بیستری در مناطق روستایی و عقب مانده هستند.

۵) صنایع کوچک نقش مهمی در تطبیق تکنولوژی یا نیازها، امکانات و بتانسایهای مادی و انسانی مناطق روستای و محلی دانسته و به درون‌زا کردن آن کمک می‌کنند.

۶) صنایع کوچک از طریق تمرکز زدایی و ایجاد تعادلهای منطقه‌ای، موجب کمک به توزیع درآمد می‌شوند.

۷) صنایع کوچک با ایجاد فرصتهای شغلی فصلی و دائمی، بیکاری را در مناطق روستایی و توسعه نیافته کاهش می‌دهند.

منابع و مأخذ:

- 1 - Sharbatoghlie . A. 1991, "Urbanization and Regional Disporities in Post Revolutionary Iran" Westview Press. USA.
- 2 Frbayo.J.A.1990: "Small - Scale Enterpriese Development Strategy : A Critical option for long - term Economic Progress in Nigeria" The India Journal of Economics; No 279 April 1990
- 3 - Planning Commissions; Government of India, "Seventh Five year Plan, 1985 - 90" Sectoral programmes of Development vol..11.

بآوریهها در آمریکا و ژاپن توسط صنایع مدرن کوچک، انجام و به نیت رسیده است. در آمریکا نسبت اختراعات به هزینه صرف شده در تحقیق و توسعه (R & D) در صنایع کوچک ۲۴ برابر صنایع بزرگ بوده‌است.

نتیجه‌گیری

بر اساس تقسیم‌بندی ارائه شده از صنایع کوچک در ابتدای مقاله، از بررسی و تجزیه و تحلیل وضعیت این صنایع در کشورهای در حال توسعه به این نتیجه می‌توان رسید که:

۱) ایجاد زیرساختها و عوامل توسعه از قبیل شبکه‌های آب و برق، راه، حمل و نقل و ارتباطات، آموزش نیروی انسانی و غیره در مناطق روستایی و عقب مانده، پیش شرط توسعه و گسترش صنایع کوچک در این مناطق می‌باشند.

۲) توزیع فضایی صنایع کوچکی که در ارتباط با فعالیتهای کشاورزی می‌باشند، در سطح وسیع، امکان بیشتری دارد.

۳) صنایع کوچک مدرن که ارتباط نزدیکی با صنایع بزرگ داشته و به تولید کالا برای بازارهای ملی و بعضاً بین‌المللی می‌پردازند، بیشتر گرایش به تمرکز در قطبهایی دارند که تراکم و تمرکز فعالیتهای صنعتی و اقتصادی در آن بوجود آمده است. بنابراین این گونه صنایع را می‌توان به سمت شهرهای کوچک و متوسط هدایت کرد تا زنجیره ارتباط با صنایع بزرگ برقرار باشد.